

چوچه هفتم

مشخصات کتاب

نام کتاب: چوچه هفتم
نویسنده: غلام حیدر یگانه
کنگوری سنی: سوم
نقاش: استاد احمد منصور ایوبی
ادیتور هنری: مریم مروج زاده
طراحی، دیزاین و چاپ: شرکت کاپل گروپ
ناشر: موسسه بین المللی حمایه اطفال در افغانستان

کمیته ارزیابی و ویرایش:
بهبیرالله ویاړ مشاور ملی تعلیم و تربیه موسسه بین المللی حمایه اطفال
حلیمه هزاره دیبا شاعر و نویسنده ادبیات کودک
سرمؤلف سید میر نقیب الله سیدزاده عضو علمی ریاست عمومی انکشاف نصاب تعلیمی وزارت معارف
علم گل سحر نویسنده و شاعر
محمد فاضل شریفی پژوهشگر ادبیات کودک و عضو اکادمی علوم افغانستان
مینا زمانی مدیر مسئول مجله تربیت وزارت معارف ویژه کودکان و نوجوانان
مینا ابراهیم خیل مسئول مرکز مطبوعات وزارت اطلاعات و فرهنگ
نعیمه غنی نویسنده ادبیات کودک

تعداد چاپ: ۴۲۱۱ جلد
سال چاپ: ۱۳۹۵ هـ شمسی - ۲۰۱۶ میلادی



کودکان عزیز!

کتاب خوانی یک سرگرمی و یک عادت بسیار خوب است که باعث پیشرفت متداوم در انسان ها میشود. بر علاوه، کتاب خواندن یک بخش بسیار مهم زندگی انسان ها را تشکیل میدهد و خواندن کتاب ها ما را در مورد جایها، واقعیت ها، انسانهای مختلف و زندگی و فرهنگ آنها بدون اینکه آنها را دیده باشیم می آموزاند. کتاب خواندن دنیای ما را وسعت میدهد و امکانات و فرصت های بی پایانی را در مقابل ما قرار میدهد.

برای اینکه شما بتوانید به کتاب های بیشتر دسترسی داشته باشید، موسسه حمایه اطفال هشتاد عنوان کتاب داستان و شعر را برای شما تهیه کرده است. من امیدوار هستم این کتاب ها برای شما جالب و خواندنی باشند و به شما بیاموزانند تا همدیگر و اطرافیان تان را دوست بدارید.

من میخواهم یاد آوری کنم که تهیه این کتاب ها، بدون همکاری های فراوان و مشارکت تعداد زیادی از نویسندگان و شعرای افغان از سر تا سر دنیا ممکن نبود. شعرا و نویسندگان افغان زحمات زیادی را متحمل شده اند تا بتوانند این هشتاد عنوان کتاب را برای شما آماده بسازند. ما امیدوار هستیم شما این کتاب ها را در خانه ها، مکاتب و جوامع تان در اختیار خود داشته باشید و از خواندن این کتاب ها لذت ببرید.

از کتاب های تان محافظت کنید و آنها را با دوستان، خواهران و برادران خود شریک سازید.

برای تان لحظات خوش و پر از مطالعه آرزو میکنم.

انا ماریا لوکسین

رئیس موسسه بین المللی حمایه اطفال در افغانستان

سنگ پشت خیلی کلان بود و او هفت چوچه داشت. هوا سرد بود. شش چوچه سنگ پشت، دور او را گرفته بودند و چسپیده به او می خوابیدند؛ اما چوچه هفتم خیلی کوچک و ضعیف بود و هر چه کوشش می کرد، نمی توانست به مادرش نزدیک شود.

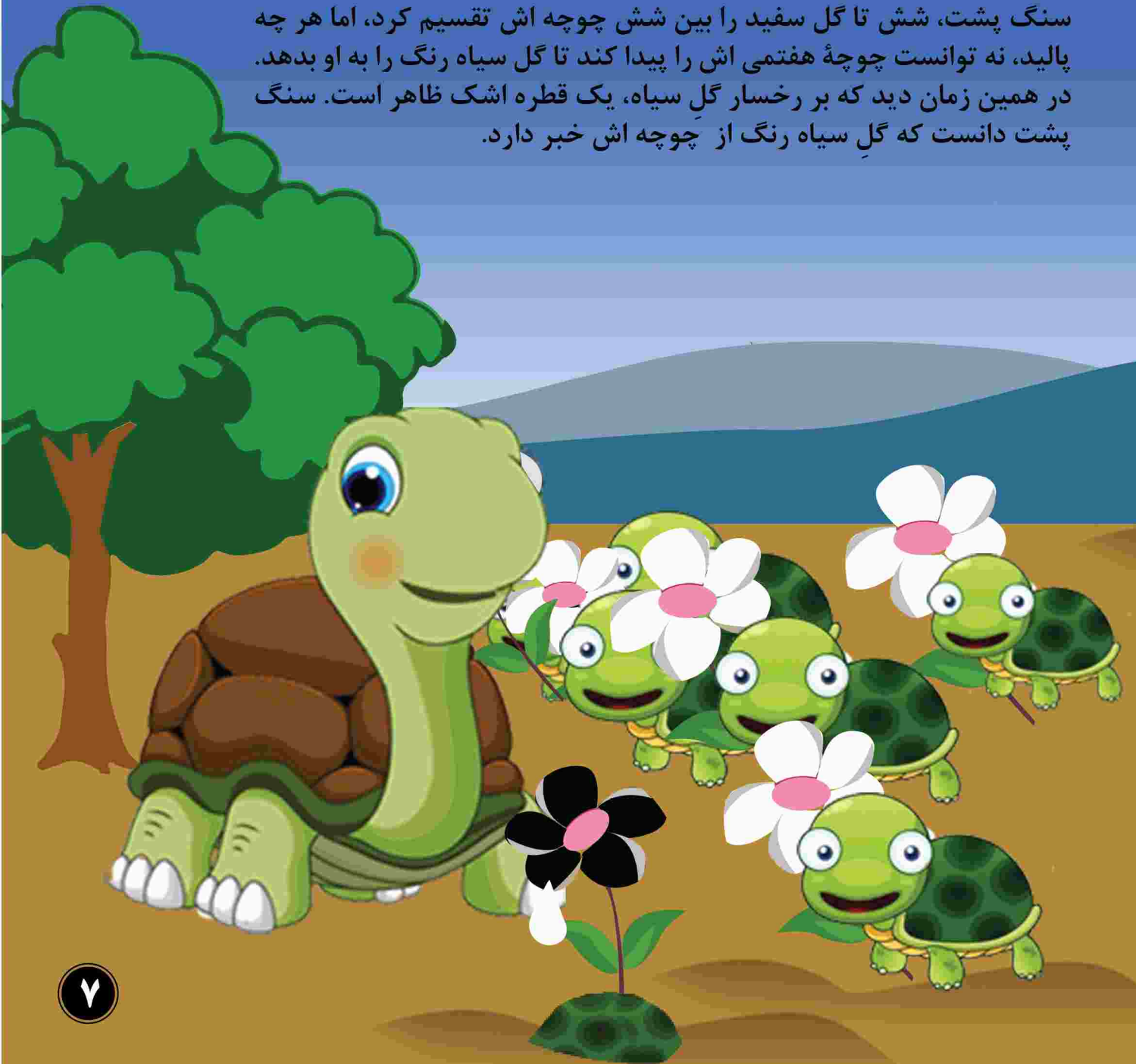


او هر شب، خنک می خورد و هر شب چند قطره اشک از رخسارش می چکید. یک هفته گذشت و شب هفتم، سنگ پشت کوچک آن قدر خنک خورد که از رخسارش یک قطره اشک سیاه به زمین افتاد و همه بدنش آن قدر خشک شد که آهسته، آهسته او به یک پارچه سنگ مبدل گشت.

یک روز سنگ پشت مادر با چوچه هایش از بیرون آمد و دید که در کنج خانه اش از پای پارچه سنگی، هفت شاخه گل قشنگ روییده است.



سنگ پشت، شش تا گل سفید را بین شش چوچه اش تقسیم کرد، اما هر چه پالید، نه توانست چوچه هفتمی اش را پیدا کند تا گل سیاه رنگ را به او بدهد. در همین زمان دید که بر رخسار گل سیاه، یک قطره اشک ظاهر است. سنگ پشت دانست که گل سیاه رنگ از چوچه اش خبر دارد.



شش تا از گلها سفید بودند و گل هفتمی سیاه رنگ بود. گل هفتمی خیلی کوچک و مقبول هم بود و سنگ پشت را از مقبولی آن بیشتر خوشش آمد. او با خود گفت: این گل کوچک را به کوچکترین چوچه ام می دهم.



او رفت به ستاره ها نگاه کرد و از یک دسته ستاره که
به سنگ پشت شباهت داشت پرسید:
ستاره های زیبا،
ستاره های زیبا
سنگ پشت کوچکم را ندیدید؟
بچه مقبولکم را ندیدید؟
ستاره ها به او جواب دادند:
خاله سنگ پشت،
خاله سنگ پشت،
سنگ پشت کوچکت را ندیده ایم
بچه مقبولکت را ندیده ایم



اشک گل سیاه که مثل یک ستاره کوچک بل بل
می زد، به روی آن پارچه سنگ افتاد. او می
خواست آن پارچه سنگ، یعنی سنگ پشت
کوچک را به مادرش نشان بدهد! اما سنگ پشت
این را نفهمید و وقتی که دید قطره اشک، مثل
ستاره ها بل بل می زند، خیال کرد که چوچه اش
را ستاره ها برده اند.



همه قطره های اشک گل به روی آن پارچه سنگ کوچک
می افتاد. گل سیاه می خواست آن پارچه سنگ، یعنی
سنگ پشت کوچک را به مادرش نشان بدهد.
اما سنگ پشت بازهم نفهمید و خیال کرد که بچه اش را
باران برده است.



سنگ پشت، ناامید، باز هم به خانه آمد تا ببیند که
گل سیاه رنگ به او چه می گوید؟ و دید که گل
سیاه، مثل ابر گریه می کند.



باران جواب داد:

خاله سنگ پشت،

خاله سنگ پشت،

سنگ پشت کوچکت را ندیده ام

بچه مقبولکت را ندیده ام



او رفت به نزد باران و گفت:

باران قشنگ،

باران قشنگ،

سنگ پشت کوچکم را ندیدی؟

بچه مقبولکم را ندیدی؟



دل سنگ پشت به گل سیاه رنگ سوخت و آمد که با دست، آن را نوازش کند.
سنگ پشت با دست به روی گل کوچک می کشید و دستش به سنگ هم تماس
می کرد. چند بار که دست سنگ پشت به سنگ کوچک تماس کرد، سنگ کمی
گرم شد و به هوش آمد.

سنگ پشت، باز هم ناامید شد. و با غمگینی به خانه آمد و دید که گل
سیاه رنگ، پژمرده شده؛ سر خود را پایین آورده و به روی آن پارچه
سنگ کوچک گذاشته است.



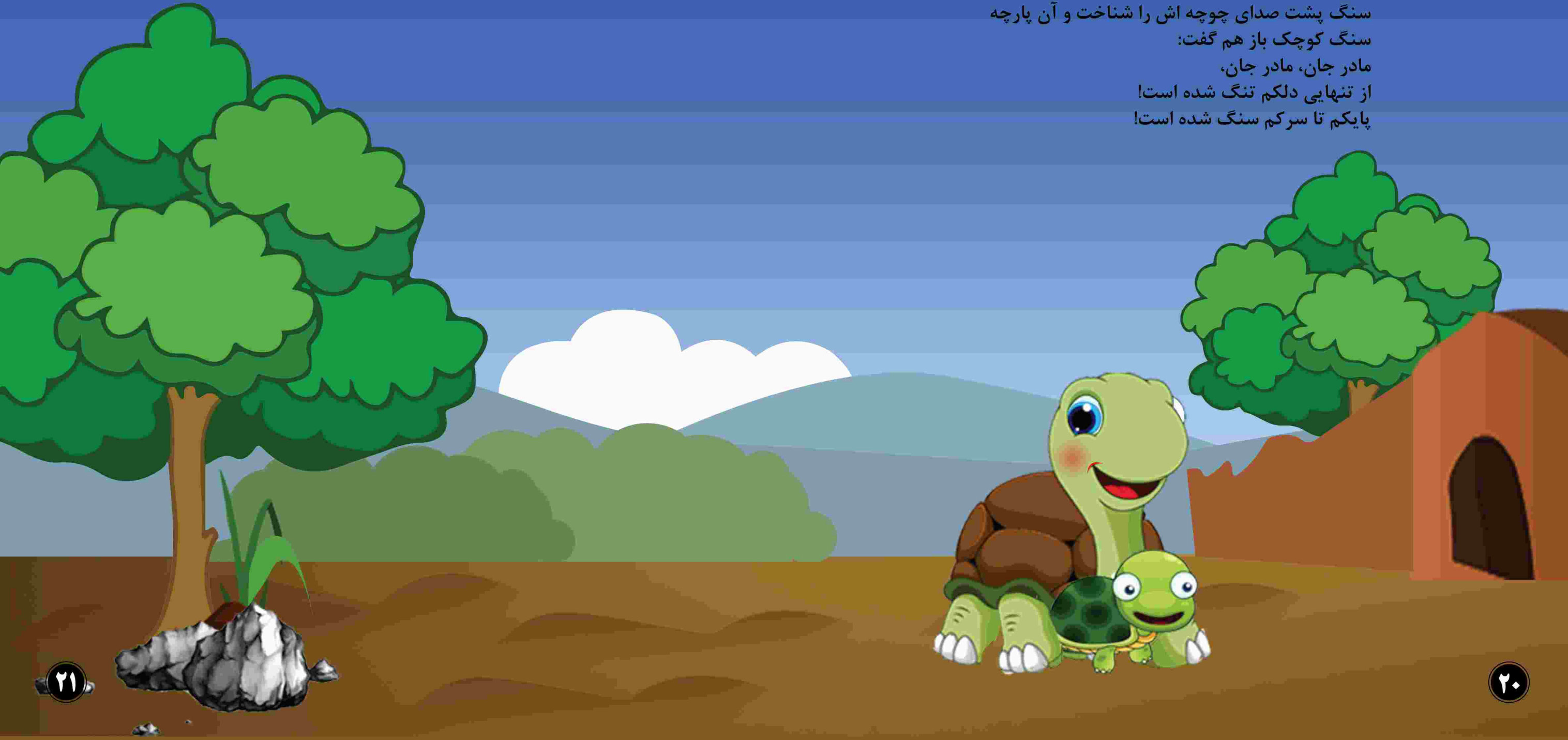
اما سنگ پشت متوجه او نشد و از گلِ
سیاه رنگ پرسید:
گل قشنگ،
گل قشنگ،
سنگ پشت کوچکم کجاست؟
بچه مقبولکم کجاست؟



گل سیاه خاموش بود و یک بار، پارچه
سنگ کوچک به جوابِ مادرش گفت:
مادر جان،
مادر جان،
سنگ پشت کوچکت منم!
بچه مقبولکت منم!



سنگ پشت صدای چوچه اش را شناخت و آن پارچه
سنگ کوچک باز هم گفت:
مادر جان، مادر جان،
از تنهایی دلکم تنگ شده است!
پایکم تا سرکم سنگ شده است!



سنگ پشت با خوشحالی، سنگ را برداشت و در بغلش گرفت.
او که نزدیک قلبِ مادرش قرار گرفت و دیگر خنک نمی خورد،
دوباره به سنگ پشت کوچکی مبدل شد، چشمانش را باز کرد و به
روی مادش لبخند زد.



همه خیلی خوشحال شدند؛ سنگ پشت کوچک را بوسیدند و به هم قول دادند که بعد از این او را بیشتر ناز بدهند.



یاد آوری

این کتاب یکی از ۸۰ عنوان کتاب است که از طریق پروژه "بیایید برای اطفال افغان بنویسیم" تهیه و به چاپ رسیده است. پروژه "بیایید برای اطفال افغان بنویسیم" به هدف ترویج فرهنگ مطالعه بین اطفال افغان و همچنان بلند بردن مهارت های خواندن آنان از طریق مطالعه داستان ها و شعر های جالب کودکانه به راه انداخته شده است. کتاب های تهیه شده توسط این پروژه در چهار کتگوری سنی بطور ذیل تقسیم گردیده اند:

کتگوری اول: کودکان ۴ الی ۶ سال (دوره تعلیمات قبل از مکتب)

کتگوری دوم: کودکان ۷ و ۸ سال (شاگردان صنف اول و دوم)

کتگوری سوم: کودکان ۹ و ۱۰ سال (شاگردان صنف سوم و چهارم)

کتگوری چهارم: کودکان ۱۱ و ۱۲ سال (شاگردان صنف پنجم و ششم)

شایان ذکر است که از جمله ۸۰ عنوان کتاب قصه و شعر، به تعداد ۵۰ عنوان آن توسط نویسندگان افغان در داخل و بیرون کشور، ۲۰ عنوان توسط معلمین و ۱۰ عنوان هم توسط شاگردان نوشته شده اند. آثار معلمین و شاگردان مکاتب کشور به اساس یک رقابت که از سوی مؤسسه بین المللی حمایه اطفال به راه انداخته شده بود، گرد آوردی و از میان آنها ۳۰ اثر برتر، توسط کمیته ارزیابی و ویرایش که در آن نماینده گان با صلاحیت وزارت های محترم معارف، اطلاعات و فرهنگ، پژوهشگران، نویسندگان افغان و کارشناسان مؤسسه بین المللی حمایه اطفال حضور داشتند برای چاپ برگزیده شده اند.



www.afghanistan.savethechildren.net
www.facebook.com/savethechildreninafghanistan
www.YouTube/savethechildreninafghanistan